



دعای امام حسین (ع) هنگام ورود به کربلا

امام حسین علیه السلام در روز پنجشنبه دوم محرم سال 61 هجری وارد «کربلا» شد. امام حسین علیه السلام پرسید: «نام این زمین چیست؟»

امام حسین علیه السلام در روز پنجشنبه دوم محرم سال 61 هجری وارد «کربلا» شد. امام حسین علیه السلام پرسید: «نام این زمین چیست؟» گفتند: «کربلا».

امام گریست و فرمود: «کرب و بلا». آن گاه فرمود: «ام سلمه به من خبر داد که جبرئیل نزد رسول خدا بود و من نیز بودم. من گریستم. پیامبر مرا در دامان خود نشاند. جبرئیل گفت: «آیا او را دوست می داری؟» فرمود: «آری!» گفت: «امت تو او را خواهند کشت و اگر می خواهی، تربت آن زمین را که او در آن کشته خواهد شد به تو نشان دهم».

پیامبر فرمود: «آری»

پس جبرئیل زمین کربلا را به پیامبر نشان داد

امام حسین علیه السلام خاک آن زمین را بوسید و فرمود: «این همان زمین است که جبرئیل به جدم رسول خدا خبر داد که من در آن کشته خواهم شد».

در روایت دیگری امام علیه السلام چون به زمین کربلا رسید پرسید: «نام این زمین چیست؟» گفتند: «کربلا»

فرمود: «پیاده شوید! این جا جایگاه فرود بارهای ماست و ریخته شدن خون ما و محل قبرهای ما. جدم رسول خدا مرا چنین خبر داده است».

آن گاه اصحاب امام پیاده شدند و بارها و اثاثیه خود را فرود آوردند؛ حرّ هم پیاده شد و لشکر او در مقابل امام اردو زدند.

در روز دوم محرم، امام حسین علیه السلام پس از ورود به سرزمین کربلا به اصحاب خود فرمود: «مردم بندگان دنیا هستند و دین را همچون غذایی می دانند که تا زمانی که مزه خوش داشته باشد، آن را نگاه می دارند، اما هنگامی که (مزه اش عوض شود و) آزمونی در کار باشد، تعداد دینداران اندک می شود».

امام حسین علیه السلام پس از ورود به کربلا، فرزندان و برادران و اهل بیت خود را جمع کرد؛ بعد نظری بر آنها انداخت و گریست و گفت: «خدایا! ما عترت پیامبر تو، محمد، هستیم. بنی امیه ما را از حرم جدمان راندند و در حق ما جفا کردند. خدایا! حق ما را از ستمگران بستان و ما را بر آنها پیروز گردان».

ام کلثوم، دختر امام علی علیه السلام، به امام علیه السلام گفت: «ای برادر! در این وادی احساس عجیبی دارم و اندوه هولناکی بر دل من سایه افکنده است».

امام حسین علیه السلام خواهر را دلداری داد و آرام کرد. (سایت راسخون)

منابع:

• مقتل الحسین مقرر، ص 193.

• وقایع الایام خیابانی، ص 171.

دانشنامه رشد